

# سخن سردایر

## نوآوری و شکوفایی

مقیاسهایی که واژه‌ها در آن تعریف می‌شوند از کوچکترین واحد اجتماعی که خانواده باشد گرفته تا یک مملکت هر کدام در جای خود معانی خاص خود را می‌دهند. به عنوان مثال وقتی صحبت از انتخابات می‌شود، می‌تواند از کلاس مدرسه تا آزمون سراسری دامنه‌دار باشد که به همان نسبت هم اهمیتشان افزوده می‌شود، حال وقتی واژه در سطح یک مملکت آن‌هم توسط بالاترین مقام آن مملکت مطرح می‌شود از اهمیتی در بالاترین سطح برخوردار خواهد بود. عنوان «نوآوری و شکوفایی» که در آغاز سال ۱۳۸۷ توسط مقام معظم رهبری برای این سال تعیین شده چون در سطح مملکت مطرح گردیده دارای اهمیت بسیار بالایی می‌باشد، به گونه‌ای که اجرای آن در حد مقدمات و بر حسب توانایی‌ها و تخصص‌ها بر هر فردی واجب است و آشکار است که نتایج حاصله نیز به همان اندازه اهمیت دارند. همان‌گونه که شاهد هستیم در عصر ارتباطات الکترونیکی روزی نیست که از ورود یک پدیده‌ی عجیب برانگیز علمی، فرهنگی، اقتصادی، صنعتی در جوامع باخبر نشویم. از اوایل سده شانزدهم میلادی با ظهور پدیده‌ای به نام رنسانس، اختراعات و اکتشافات و پیشرفتهای علمی - فنی با چنان سرعت سرسام‌آوری در حال حرکت است که در آن حتی درنگهای لحظه‌ای نیز دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر یک لحظه غفلت از همراهی با کاروان پیشرفت مساوی است با بازماندگی یا درماندگی. به همین جهت با توجه به این شتاب سرسام‌آور پیشرفتهای، سنجشهای معناداری نیز برای آن تعریف کرده‌اند، به این که تا دهه شصت میلادی بی‌سواد به کسی گفته می‌شد که توانایی خواندن و نوشتن را نداشت، دهه هفتاد به کسی که زبان خارجی (ترجیحاً انگلیسی) نمی‌دانست بی‌سواد گفته می‌شد، در دهه هشتاد این عنوان را برای کسانی که رایانه (کامپیوتر) نمی‌دانستند به کار می‌گرفتند و بعد از آن هم یعنی از فاصله زمانی ۱۹۹۰ تا کنون آنقدر پیشرفتهای علمی - تکنیکی سریع و پرشتاب بود که مرز بین بی‌سوادی و باسوادی هنوز تعیین نشده یا شاید شده که ما بی‌خبریم.

در این میان و در زمانی از این ۴ دهه یک عامل اصلی شتاب دهنده برای پیشرفتهای وجود داشته و خواهد داشت که آنهم بدون شک «نوآوری و شکوفایی» خلاقیت‌ها بوده است. وقتی در امری نوآوری و شکوفایی وجود نداشته باشد حالت آب در برکه یا ماندابی را دارد که در ظاهر آب است و شاید در شرایطی سخت و استثنایی رفع تشنگی هم کند، ولی به طور حتم با آب روان گوارای رودخانه‌ها و نه‌رها تفاوت دارد، و مصداق کامل همین امر، نوآوری در حکم آب روان و واپسگرایی هم حکم مانداب را دارد.

با ذکر مقدمه بالا و این که در همه کارها نوآوری و شکوفایی را باید در صدر همه امور قرار داد، در علوم زمین هم بر همه کسانی که به نحوی دست‌اندرکار این رشته از علوم هستند از اساتید محترم دانشگاهها گرفته تا دانشجویان عزیز و همکارانی که در چارچوبهای مختلف کاری در ارتباط با زمین‌شناسی و معدن مشغول فعالیت هستند، نوآوری امری واجب است.

باید قبول کرد که علوم زمین در ایران نسبت به چهل سال قبل که حتی یک برگ نقشه زمین‌شناسی (به جز مناطق نفتی) وجود نداشت پیشرفتهای غیر قابل انکاری داشته است. در حال حاضر سطح کشور به طور کامل زیر پوشش نقشه‌های زمین‌شناسی مقیاس ۱:۲۵۰۰۰۰ و ۱:۱۰۰۰۰۰ است و دانسته‌های پایه‌ای بسیاری که حاصل فعالیت‌های این چهل سال بوده موجود است که کافی است داخل سایت پایگاه ملی داده‌های علوم زمین ایران شویم و این حجم عظیم دانسته‌ها را جویا شویم.

ولی دوستان عزیز از آن طرف قضیه هم باید اذعان کنیم نه تنها در نوآوریها و شکوفایی گامهای کافی برداشته نشده، بلکه نسبت به نوآوریهای جهانی علوم زمین در سطح جهانی کمی عقب هستیم که بحث در علل آن در این مقوله جایز نیست و شاید اگر وقتی دست داد در آینده به آن پردازیم ولی در حال حاضر ما نیز مانند سایر امور موظفیم با استفاده از موقعیت ایجاد شده در سال «نوآوری و شکوفایی» در علوم زمین نوآوری و شکوفایی لازم را داشته باشیم. امیدواریم با همت والای دانش‌آموختگان علوم زمین این امر هر چه زودتر محقق گردد.